

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۲

جلسه ۷۹ - دوشنبه ۹۳/۲/۱

۳. صورت سوم آن است که عمل شخص عامی طبق نظر مجتهد فعلی صحیح است اما طبق نظر مرجع حین عمل، صحیح نباشد. از آنچه در صورت قبل بیان شد روشن می‌شود در اینجا نیز إعادہ و قضا بر او لازم نیست ولو مجتهد حین عمل، آن عمل را باطل می‌دانست؛ زیرا نظر مجتهد کنونی حجت در حق عامی است و نظر مجتهد حین عمل چون مورد استناد او نبوده است اثری ندارد.

آری، اگر عمل این فرد با واقع مخالف باشد، چنین فردی در ترک واقع مستحق عقاب است؛ زیرا در ترک واقع، حین انجام عمل حجتی نداشته است و بدون عذر ترک واقع کرده است. اما اگر فرصت برای إعادہ باقی باشد و این فرصت را استناداً به نظر مجتهد کنونی از دست بدهد، چون با عذر ترک عمل کرده است مستحق عقوبت نیست.

۴. صورت چهارم آن است که عامی عملی را انجام داده است و طبق نظر مجتهد فعلی، عمل او باطل است و باید إعادہ و یا قضا کند، ولی طبق نظر مجتهد سابق (حین عمل) صحیح است. از آنجا که این شخص به نظر مجتهد سابق رجوع نکرده است، در این حالت روشن است که نظر مجتهد سابق ارزشی ندارد و تمام ملاک، نظر مجتهد فعلی است و اگر بگوید إعادہ یا قضا لازم است، باید انجام دهد. اما مجتهد کنونی و فعلی در چه مواردی قائل است إعادہ و قضا لازم است؟

یک بحث کلی وجود دارد که آیا احکام ظاهریه نسبت به احکام واقعیه مجزی است یا خیر. در آن بحث بیان کردیم که اجزاء به طور مطلق معنا ندارد، ولی اینکه فی الجمله عمل ناقص مجزی باشد مورد قبول است؛ مثلاً مسئله‌ی قصر و اتمام نمونه‌ی این موارد است، جایگزینی جهر و اخفات جای یکدیگر نیز

قطعی است و همه فتوا داده‌اند مگر قول شاذ و نادری که به آن اعتنا نمی‌شود. همچنین در مورد صلاة ممکن است گفته شود نمازهایی که تارک تقلید خوانده، درست است حتی اگر مقصر باشد؛ زیرا ظاهراً اطلاق «لاتعاد» شامل آن می‌شود و بعید نیست این سخن درست باشد. اگر کسی بدون اینکه تقلید کند سال‌ها جهلاً نماز بدون سوره خوانده و اکنون به مجتهد اعلم رجوع می‌کند و نظرش این است که «لاتعاد» شامل جاهل مقصر نیز می‌شود، در این حالت بر شخص عامی لازم نیست نمازهایی که بدون سوره خوانده را اعاده کند، ولی اگر مجتهدی مانند مرحوم نائینی فتوا دهد که حدیث «لاتعاد» مربوط به جاهل قاصر است و جاهل مقصر را شامل نمی‌شود، باید تفصیل دهد؛ یعنی اگر شخص عامی احتمال می‌داد باید تقلید کند و چه بسا حکم نماز به گونه‌ای دیگر باشد و می‌توانست تقلید کند و تقصیر کرد باید اعاده و قضا کند، ولی اگر تقصیر نداشته و قصور داشته اعاده و قضا لازم نیست.

در برخی دیگر از ابواب فقه مانند حج، چنین احکامی وجود دارد؛ یعنی حتی اگر برخی امور با جهل تقصیری انجام شود، موجب بطلان و اعاده نیست.

بنابراین روشن شد که در تمام این صور، نظر مجتهد حین عمل که به آن رجوع نکرده است تأثیری ندارد. آری، اگر بدان رجوع می‌کرد و عملش طبق نظر او صحیح بود و مجتهد فعلی اعلم باشد و عمل را باطل بداند، از آنجا که شخص عامی نمازها را با نظر مجتهد سابق بدون سوره خوانده است، معذور است و مستحق عقاب نیست و «لاتعاد» نیز شامل او می‌شود (حتی بنابر نظر محقق نائینی رحمته الله) زیرا جاهل مقصر محسوب نمی‌شود بلکه قاصر است.

مناسب است به یک مطلب توجه کنیم که اگر کسی حین عمل، به مجتهدی رجوع کند که نظر او حجت است و مثلاً فتوا دهد که در هبه خمس لازم نیست، سپس این شخص به مجتهدی دیگر رجوع کند که می‌گوید در هبه باید خمس داده شود، در این حالت باید خمس داده شود. لهذا در این‌گونه موارد که چه بسا موجبات زحمت مکلف را فراهم آورد، احتیاط شایسته است.

یک نکته مربوط به لزوم فحص در شبهات موضوعیه

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، در شبهات موضوعیه فحص لازم نیست (خصوصاً موضوعیه‌ی تحریمیه) با این حال بعضی از اعظام فقهاء مدعی شده‌اند در بعض موارد، فحص در شبهات موضوعیه لازم است. در مباحث گذشته بیان شد که اگر بدانیم مواردی مورد اهتمام خاص شارع است، ادله‌ی اصول مؤمنه از آن منصرف است و باید فحص شود. با این حال موارد دیگری از لزوم فحص توسط برخی فقهاء ذکر شده

است، از جمله اگر کسی شک کند آیا اموالی که دارد به اندازه‌ی استطاعت حج است یا خیر، عده‌ای قائلند باید فحص صورت گیرد و برائت یا استصحاب عدم استطاعت جاری نیست.

همچنین اگر کسی درآمدهای زیادی در طول سال داشته باشد و اصل سرمایه‌ی او خمس داده بوده است ولی نمی‌داند این درآمدی که حاصل شده زائد بر مؤونه است که در نتیجه باید خمس زیاده را بدهد یا کمتر یا به اندازه‌ی مؤونه است تا خمس لازم نباشد، برخی فقهاء فرموده‌اند باید فحص کند و نمی‌تواند برائت و استصحاب عدم جاری کند.

در مورد نصاب زکات نیز گفته‌اند: مثلاً اگر کسی محصولی برداشت کند و نداند آیا گندم او به حدّ نصاب رسیده یا خیر، نمی‌تواند برائت یا اصل مؤمن دیگری جاری کند، بلکه باید وزن کند و فحص کند که آیا به حدّ نصاب رسیده است یا خیر؟

از جمله میرزای قمی رحمته‌الله در مورد استطاعت، تصریح به این مطلب دارند و مرحوم صاحب معالم نیز فرمایشاتی به صورت کلی در وجوب فحص دارند و شیخ انصاری رحمته‌الله نیز ضابطه‌ای به نحو کلی ارائه می‌دهد که اگر این ضابطه در جایی صادق باشد فحص لازم است.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی